

Online ISSN: ۲۵۳۸-۴۹۳۷

مطالعات هنر و فرهنگ

Print ISSN: ۲۵۸۸-۲۷۰۸

دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱

www.irjournals.com

صفحات ۱۳۰-۱۱۵

بررسی سیر تحولی ستون در معماری ایرانی

سارا تیموری

کارشناسی ارشد تاریخ هنر ایران باستان دانشگاه آزاد واحد شبستر، کارمند آموزش و پرورش

چکیده

ممکن است در یک ساختمان انواع گوناگونی از ستون‌ها از نظر تنوع در پایه ستون، بدنه و سرستون مورد استفاده قرار گیرد. این ستون‌ها در بعضی قسمت‌های بنا نقش سازه‌ای داشته و در بعضی قسمت‌ها نقش تزئینی ایفا می‌کند. استفاده از ستون در ایران به سده شصتم قبل از میلاد در موسیان (شهری در دهلران ایلام) بازمی‌گردد؛ اما چون ستون‌ها از چوب بوده، پوسیده و از بین رفته است و فقط پاستونهای خشتی و سنگی باقیمانده است. در مقاله پیش رو با استفاده از تحقیقات تألیفی و کتاب‌خانه‌ای به بررسی سیر تحولی ستون در معماری ایران از ابتدای تمدن مادها تا پایان دوره‌ی ساسانیان پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: ستون، معماری، ایران.

۱- مقدمه

ستون در معماری ایران باستان کاربردهای متعددی داشته است در خانه‌های عادی نقش پایه ساختمان و در کاخ‌ها و بناهای بزرگ، نماد قدرت بزرگی و پیشرفت بوده است. مثل ستون‌های مسجد سید و عتیق اصفهان. همچنین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر معماری ایران باستان برای نمایش نمادهای دینی و فرهنگی مختلف بوده است.

ستون، پایه یک ساختمان عمومی است که عمدتاً برای پشتیبانی وزن و بار سنگین بالای سقف و غیره طراحی شده و معمولاً نقش استحکام و زیبایی یک بنا را بازی می‌کند. ممکن است با هرگونه مصالح ساختمانی از قبیل سنگ و چوب و آهن و سنگ مرمر یا آجر ساخته شود (۲).

یک ستون شامل سه بخش است. پایه و میله و سرستون.

میله بخش مرکزی است و معمولاً به شکل ساخته می‌شود.

پایه، پایین‌ترین بخش ستون را تشکیل می‌دهد که محافظ میله هم هست و روی آن سرستون قرار دارد.

در سرزمین پهناور ایران باتوجه به مناطق مختلف با تنوع فوق‌العاده و مقتضیات اقلیمی از کهن‌ترین روزگاران، هر دو نوع معماری به موازات هم رواج داشته، در آغاز درنواحی شمال و شمال غربی کشور ساختن بام‌های مسطح و درنواحی مرکزی و جنوب غربی طاق‌های ضریبی متداول گشته و بعدها به علت تأسیس شاهنشاهی‌های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و ایجاد ارتباط مداوم میان تمام مناطق کشور و از همه مهم‌تر به وجود آمدن یک نیروی عظیم ملی که قادر بوده است هرگونه مصالح ساختمانی لازم را از دورترین نقاط جهان برای مرکز شاهنشاهی تأمین نماید، دو شیوه ی بالا بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های اقلیمی در هر نقطه کشور که لازم بوده، بکار رفته است (۳۴). به همین ترتیب است که می‌بینیم در روزگار شاهنشاهی هخامنشیان بر طبق اسناد کتبی تیرها و الوارهای عظیم طاق کاخ‌های تخت جمشید را از کوهستان‌های پردرخت لبنان به مرکز فرهنگی و سیاسی شاهنشاهی ایران حمل نموده‌اند و در نتیجه موفق شده‌اند در منطقه‌های که در آن روزگار دارای معماری با طاق هلالی بوده است بناهایی به شیوه متداول در شمال و شمال غربی کشور برپا نمایند. هنگامی که خانه‌ها وسعت یافت و به ایجاد تالارهای بزرگ نیاز شد متوجه شدند که طاق چوبی ساختمان‌ها در زیر سنگینی بار مصالح بام خمیدگی پیدا می‌کند و وسط تیرهای سقف به سمت پائین قوس برمی‌دارد. برای جبران این نقیصه درصدد برآمدند (۸)، در فاصله بین دیوارها زیر تیرهای سقف ابتدا تیرهای حمالی در جهت عمود بر چوب‌های سقف بکار برند و برای نگهداری این تیرهای حمالی تیرک‌های چوبی برپا نمایند تا بدین ترتیب از خمیدگی طاق در بخش‌های میانی آن جلوگیری شود و این اولین گام در راه یافتن ستون و بکار بردن آن تالارهای بزرگ بود.

می‌توانیم به‌طور کلی ستون را یک عامل طبیعی در معماری تمام مناطقی که برای برپا کردن ساختمان‌های خود چوب کافی در اختیار داشته‌اند بدانیم.

مهم‌ترین بنائی که تاکنون در ایران شناخته شده است و در آن تالارهای بزرگ ستون‌دار ایجاد نموده‌اند. دژ حسنلو واقع در جنوب دریاچه ارومیه است. که در زمره مهم‌ترین آثار معماری ایران باستان بشمار می‌رود. این بنای عظیم در سده نهم پیش از میلاد برپا گردیده و از نظر اصول معماری و بکار رفتن مصالح ساختمانی متنوع و منطقی در شمار پیشرفته‌ترین معماری‌های آن روزگار محسوب می‌گردد. پس از دژ حسنلو برای مطالعه ساختمان‌های ستون‌دار در ایران باید سراغ دخمه‌های کنده‌شده در کوه که تعدادی از آن‌ها به دوران مادها تعلق دارند برویم. مهم‌ترین این آثار در آذربایجان و فارس قرار دارند و نمای خارجی و طراحی داخلی آن‌ها سند معتبری برای شناخت معماری ایرانی در آن روزگار است (۱۷). آنچه از نظر تاریخ معماری ایران در این

دخمه‌ها اهمیت دارند آن است که این آثار با آن که در کوه‌های صخره‌ای تراشیده شده‌اند و بارزترین آثار برای شناخت معماری صخره‌ای آن زمان می‌باشند. تمام ریزه‌کاری‌های ساختمانی که در آن‌ها استفاده شده و به دقت در این دخمه‌ها به وسیله تراش در سنگ نمایش داده شده‌اند. از آن مهم‌تر موضوع ستون‌ها و سرستون‌هایی است که به‌ویژه بر نمای خارجی دخمه‌ها به‌طور چسبیده بر ورودی دخمه‌ها و یا آزاد تراشیده شده‌اند می‌باشند همانند دخمه داود دختر واقع در ممسنی که ستون‌ها و سرستون‌ها به روشنی در روی صخره تراشیده شده‌اند. سرستون‌هایی که برنمای دخمه بالا و همچنین بر روی مقبره‌مادی قیزقاپان نشان داده شده است نتیجه می‌گیریم که در این قسمت شیوه معماری ایون یک که یکی از سه مکتب مهم معماری یونانی است الهام گرفته شده است. در این تحقیق در پی یافتن تاریخچه و نقش ستون در معماری ایران باستان هستیم و عنصر ستون را در معماری ایران باستان و دیگر تمدن‌ها در حد لزوم بررسی خواهیم کرد.

پس از کوچ کردن آریایی‌ها و ورود آن‌ها به ایران، این سرزمین «ایران» نام گرفت. از جمله گروه‌های آریایی که در دره‌های حاصل خیز زاگرس سکنی گزیدند مادها (در مرکز و غرب)، پارس‌ها (در جنوب غرب) و پارت‌ها (در شمال شرق) بودند (۹). در میان همه ی تیره‌های آریایی که به سرزمین ایران کوچ کردن، بزرگ‌ترین و نیرومندترین آنان مادها بودند. مادها از اوایل قرن ۷ ق. م. به فرمانروایی یکی از سران قبایل ماد به نام دیاکو اداره این سرزمین را به دست گرفتند. مادها که خودشان را با این نام می‌نامیدند، خود را میان و ستون مهره ی آریاییان می‌دانند و از همین نظر خود را ماد می‌خواندند. ماد، مدی و مادی معنای میان و پارس و پارت معنای گرداگرد و پیرامون را می‌رساند.

برافتادن حکومت آشوریان به دست مادها به فرماندهی هوخشتره و با کمک بابلیان، مادان را در نجد ایران به قدرتی عظیم رساند. تختگاه آن‌ها همدان (هگمتانه) بود و در عصر پادشاهی هوخشتره قلمرو آن‌ها به بیشترین حد رسید. سازمان‌دهی نظام پادشاهی در ایران و زمینه آماده کردن برای قدرت‌یابی پارس‌ها از نکات برجسته تاریخ مادهاست (۱). تاریخ فرهنگ و هنر ساکنان فلات ایران به دوران پارینه‌سنگی بازمی‌گردد، اما شاخص‌ترین آثار به‌جامانده در فلات ایران اغلب مربوط به دوران نوسنگی می‌باشد. سیر فرهنگ و تمدن با ساخت سفال در حدود اواخر هزاره نهم، اوایل هزاره هشتم قبل از میلاد در مناطق غربی ایران به ویژه کوه‌های زاگرس، لرستان و گنج دره هرسین (کرمانشاه) شروع شد (۲۳). پارسی‌ها با مادها منشأ نژادی (و به احتمال بسیار زبانی) داشتند. شباهت بسیار این دو گروه قومی موجب شد که مورخان یونانی تفاوت فاحشی بین آن‌ها نبینند و حکومت هخامنشی‌ها را استمرار حکومت مادها تلقی کنند.

• نگرشی بر فرهنگ و تمدن ایرانی

• کورش بزرگ

کورش که از حدود ۵۵۹ تا ۵۲۹ پ م پادشاهی کرد، با سرنگون ساختن حکومت ماد موجب برتری پارس بر آسیای غربی شد او سرباز بزرگی بود، ولی امپراطوری اش را بیشتر باتدبیر حفظ کرد تا با زور. رفتار جوانمردانه وی با مردم شهرهای فتح شده سبب میشد آن‌ها بدون درگیری تسلیم سپاهیان او شوند. یهودیان اسیر و برده را از چنگ فرمانروایان بابلی نجات داده به خانه‌های خود بازگرداند. قوانینی برای حمایت از مردم بین‌النهرین رواج داد که بیشتر انسان‌دوستی او را نشان می‌دهد. استوانه گلی معروف به «منشور کوروش» در محوطه باستانی بابل کشف شد. کوروش در اردوی جنگی در دورترین نقطه شمال کشته و در پایتخت خود، پاسارگاد به خاک سپرده شد.

پارتیان

پارت دربرگیرنده خراسان امروزی بود. در کتیبه بیستون که به داریوش بزرگ تعلق دارد از این ناحیه به‌عنوان یکی از ساتراپهای ایران یاد می‌شود. در مورد نژاد مردم ساکن این سرزمین که پارت‌ها نامیده می‌شوند بین پژوهندگان و مورخان اختلاف نظر وجود دارد. بعضی این اقوام را از نژاد آریائی و گروهی از نژاد زرد چینی و مغولی دانسته و بالاخره عده‌ای نیز آن‌ها را آمیزه‌ای از دو نژاد آریائی و زرد نوشته‌اند؛ سلاطین اشکانی به اعتبار آنکه خود را از عقب اردشیر دوم (اشک) می‌دانستند به ارشکانیان و اشکانیان معروف شده‌اند (۱۱).

در حدود سال ۲۲۰ میلادی اشکانیان در زیر ضربات نیروهای تازه‌ای که در پارس ظهور کرده گرداگرد سلاله نوزاد ساسانیان تمرکز یافته بودند، از پای درآمد. بعد از انقراض سلسله اشکانیان سلسله ساسانیان روی کار آمد. اردشیر بابکان شخصی بود که به دشمنی با اردوان پنجم برخاست و پایه‌های حکومت ساسانی را پایه‌ریزی کرد. سلسله‌های که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی (۴۲۷ سال) بر ایران فرمانروایی کردند و آخرین سلسله و دودمان پیش از دوره اسلامی بودند.

ساسانیان

نام سلسله ساسانیان از ساسان گرفته شده بود. پایتخت ایران در آن زمان تیسفون بود که در بغداد بود. بعد از روی کار آمدن ساسانیان ایران رفته‌رفته بزرگ می‌شد به طوری که به عزم ایران در دوران هخامنشیان نزدیک شد. ساسانیان فرهنگ خاص ایرانی را دوباره برگرداندند و هر آنچه را که یونانی‌ها در ایران از لحاظ فرهنگی را جا گذاشته بودند از بین بردند. ساسانیان ایرانیان رامانند دوره هخامنشیان یکپارچه کردند و با تشکیل دولتی متمرکز وحدت را در کشور تأمین کردند. ساسانیان از لحاظ مذهب و نظامی‌گری توانمند بودند و از مرزهای خود تا آخرین سال‌های برپایی حکومتشان محافظت کردند (۳). پایتخت ایران، شهر تیسفون در ۶۳۷ میلادی به دست اعراب افتاد، یزدگرد سوم با سرنوشتی نامعلوم گریخت و اثری از او نماند. با مرگ یزدگرد سوم در سال ۶۵۱ میلادی، شاهنشاهی ساسانی پایان یافت (۴۹).

• تاریخچه پیدایش ستون

کاربرد ستون در معماری ایران از قدمت بسیاری برخوردار است ولی قدیمی‌ترین بنایی که تاکنون در ایران شناخته شده، بنای ستون‌دار حسنلو است که قدمت آن به سده نهم قبل از میلاد بازمی‌گردد. در بنای حسنلو بدنه همه ستون‌ها چوبی ولی پایه ستون‌ها از سنگ بود (۳۱).

این ستون‌ها ابتدا توسط ماناها به کار رفتند و بعدها در معماری مادها در نوشیجان به کار برده شدند قدیمی‌ترین کاربرد ستون در معماری ایران در دوره ماد و در تپه حسنلو (سده نهم قبل از میلاد) دیده می‌شود. همچنین در گوردخمه‌های کورخ کیچ و فخریکا می‌توان کاربرد ستون را مشاهده کرد.

معماری هخامنشیان معماری ایرانی‌آینه تمام‌نمایی از اندیشه‌های انسانی است که ارزش‌های اخلاقی اقتصادی و روحیات معنوی در آن به نمایش گذاشته شده است. شرایط مساعد اقلیمی و جغرافیایی ایران به شکل‌گیری هنر معماری کمک شایانی کرده است. در هنر معماری هخامنشی ستون جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره یکی از اجزای اصلی در بناها محسوب می‌شود. دوران اوج هنر ستون‌سازی مربوط به پادشاهی هخامنشی است. ستون‌های هخامنشی به منظور نمایی اقتدار و قدرت پادشاهان است. هخامنشیان توانستند با استفاده از هنر بومی و ترکیب آن با هنر سایر ملل و الهام از تفکرات مذهبی و غیرمذهبی به ساخت

ستون‌هایی در جهت القای شکوه و عظمت امپراتوری که نشان‌های از میل به جاودانگی و استواری بود، بپردازند. استفاده از سرستون‌هایی به شکل گاو، شیر، لاماسو، گریفین نمادی از اقتدار هخامنشیان است (۵۰).

معماری بیش از ۶۰۰۰ سال قدمت دارد و بیش از سه هزار سال است که پاره‌ای عناصر معماری ایران همچنان پابرجا مانده است، بارزترین این عناصر به کار گرفتن آگاهانه شکل‌های ساده و حجیم و رسوخ شگفت‌آور تزئینات و ایجاد ستون و ستون‌های تزئینی است. ستون‌های دوره هخامنشی با اشکال گوناگون و تزئینات مختلف و ارتفاع بی‌مانند از دیرباز تا به امروز مورد توجه بینندگان بوده است. پایه ستون‌های ساده و منقوش با تنه‌های باریک ولی مرتفع و همچنین سرستون‌های حیوانی شکل سنگین که بر بالای چند قطعه سنگ تراش خورده قرار دارد، همواره شکوه و عظمت فوق‌العاده‌ای را به نمایش می‌گذارد. اوج استفاده از ستون در دوره هخامنشی است که گواه این ادعا بقایای کاخ‌های پاسارگاد، شوش و تخت جمشید می‌باشد به وحدت امپراتوری هخامنشی بیش از هر چیز در هنر معماری تجسم می‌یابد و تخت جمشید با شکوه‌ترین نمود آن است.

نکته درخور دقت در معماری «ذوق» است. می‌دانیم ذوق در هنر معنای مدرنی دارد و از فردگرایی دوران جدید مایه می‌گیرد و فردگرایی و عقلانیت دو وجه بارز مدرنیته‌اند در حالی که فرد در دوران ما قبل مدرن فاقد «فردیت» است و بنابراین در آفرینش هنری ذوق و سلیقه‌اش دخیل نیست، بلکه جست‌وجوی «حقیقتی» والا مدّ نظر است. این حقیقت برتر با نیروی فراذوقی و اشراق دست‌یافتنی است (۱۵). چنین حقیقت ازلی را جامعه در پیوند با جادو می‌بیند و هنرمند را مأمور تلاش برای تصویر آن می‌کند. معماری پیش مدرن (سنتی) واجد کالبد هستی‌شناسی است و معنای ژرفی در پس خود پنهان کرده است در حالی که در معماری مدرن، امر متعالی وجود دارد اما فهم آن در فضای فکری و خردگرایی و عقل استدلالی استحاله شده است آنچه در اینجا مورد توجه است معنای معماری در وجه غیر مدرن و باستانی و شرقی است و تعریفی که راسکین عرضه کرده جهانروا (جهان‌شمول) و قابل‌تعمیم به معماری دوران باستان و معماری ایران عهد هخامنشی است و نگارنده آن را تعریفی جامع تلقی می‌کند و معماری هخامنشی‌ها را دارای صفاتی می‌داند که در این تعریف گنجانیده شده است (۲۶).

کاخ‌های کوروش از هیچ و پوچ مایه نگرفته است و مقابر صخره‌ای شاهان مادی همراه با ستون‌ها و سرستون‌های برجسته منتج به کاخ‌های اکباتان شده که تاکنون ناشناخته بود. کتیبه‌های میخی هخامنشی قبل از کوروش وجود داشت، نقش برجسته‌های او در پاسارگاد با انعطافی که به پیکره انسانی ارائه داده، مناسبات نزدیکی با مقابر مادی-سکایی (قیزقاپان) دارد تا نقش برجسته‌های آشوری؛ بنابراین شواهد زیادی در دست است که هنر هخامنشی در دستیابی به مجد و عظمت خود فقط از اقوام بیگانه تغذیه نکرده است. بلکه دقیقاً بلعکس، این هنر نمایانگر فلاتی است که پس از عروج مداوم هنر ایران به مفهوم وسیع کلمه در آن، قابل انتصاب به همان اصطلاح است چون اتحاد مادها و پارس‌ها با کیمریان و سکاها باعث شد که هر کدام از آن‌ها یاری و سهم ویژه خود را در این هنر به ثبوت برسانند و منابع زیادی از خلاقیت مداوم را برای هنر هخامنشی به ارث بگذارند.

• تکامل هنر و معماری و توسعه شهرها در عصر هخامنشیان

هنر ایران در دوران هخامنشی‌ها نه ابتدایی است و نه ساده، بلکه هنر این عصر در بسیاری از زمینه‌ها تأثیرات عمده‌ای را از هنر بیگانه و به خصوص کلد و آشور دریافت داشته است و بررسی یکایک آثار معماری و حجاری برجای‌مانده از آن عهد مارا به این مقصود نزدیک می‌سازد که هنرمندان ایرانی در عین حال که سعی نموده‌اند عناصر و موتیف‌های ایرانی را در آثار خویش به کار گیرند، به طور ظریف و هنرمندانه‌ای هم تا جاییکه هنر ایرانی اصالت خویش را از دست ندهد به تقلید زده و هنرهای بیگانه را نیز ایرانی‌زه کرده‌اند.

هنر در زمان هخامنشی‌ها بیشتر جنبه درباری و تشریفاتی و همچنین نوعی هنر دستوری بوده است و هنرمند هیچ‌گونه آزادی در راستای خلاقیت هنر و علائق شخصی نداشته بلکه در تمام امور تنها از یک کارفرما یعنی پادشاه اطاعت می‌کرده است نمونه برجسته این امر را می‌توان در تخت جمشید یافت که به فرمان داریوش اول و فرزندش خشایار شاه اول ساخته شده و یا پاسارگاد که ابتدا توسط کوروش فرمان ساخت آن صادر گردید و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این مجتمع‌های شکوهمند معماری برای خشنودی خاطر آنان و برآوردن نیازمندی‌های درباری و تشریفاتی آنان ایجاد شده است (۱۵).

کاخ آپادانا در شوش

پس از کوروش و ایجاد بناهای یادشده در پاسارگاد، نوبت به احداث کاخ‌های عظیمی می‌رسد توسط داریوش اول (کبیر) و خشایار شاه و جانشینان آن‌ها در شوش و تخت جمشید ساخته شده بدین ترتیب دوره دوم عمارت سازی یا معماری در عصر هخامنشیان آغاز می‌گردد. داریوش اول به جای ادامه کار در پاسارگاد تصمیم گرفت علاوه بر انتخاب شوش به عنوان پایتخت زمستانی (به دلیل مساعد بودن هوا) نسبت به ایجاد ابنیه و کاخ‌های تازه در این شهر اقدام نموده و بدین ترتیب جایگاه جدیدی را برای آثار معماری این عهد به وجود آمده. مهم‌ترین اثر بارز و عظیمی که از دوران هخامنشی‌ها در این شهر باقی‌مانده، کاخی است معروف به آپادانا که به دست داریوش بزرگ بنا شده و در روی تپه‌ای عظیم قرار دارد. کاخ آپادانا در شوش داخل یک حیاط وسیع و در روی سطوح گورستانی کهن از عهد عیلامی‌ها بنا شده است. این بنا ۵۵ متر و با ستون‌هایی به بلندی ۲۰ متر ستون‌هایی با سر گاوهای نر پشت به هم داده قرار داشته و پایه ستون‌ها هم از یک جام نیلوفر آبی وارونه ترکیب یافته است. پهنای زیاد میان ستون‌ها بیشتر به خاطر تأمین روشنایی بوده است.

مجموعه کاخ‌های تخت جمشید

صفه تخت جمشید» در اواخر حکومت داریوش در کناره شرقی جلگه مرو دشت بر پا گردید. از کتیبه‌های مکشوفه متعلق به داریوش چنین برمی‌آید که وی نام محل را «پارسا» یا «پارسه» که در حقیقت یکی از ایالات هخامنشیان محسوب می‌شده است، نهاد که یونانیان از این شهر با نام پرسپولیس یاد کرده‌اند. کاخ داریوش در تخت جمشید بزرگ‌تر از کاخ وی یعنی همان آپادانا در شوش است (۴۲).

پاسارگاد

پاسارگاد دیرینه‌ترین بنای پارسی و نخستین تختگاه هخامنشی در ۴۸ کیلومتری شمال خاوری تخت جمشید قرار دارد. پاسارگاد به معنای «اردوگاه پارسیان» است و اولین اقامتگاه کوروش بزرگ. دشت پاسارگاد محل تلاقی نخستین نبرد مادان و هخامنشیان بود.

بناهای پاسارگاد را می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد.

۱- صفه و بارویی در شمال ۲- محوطه‌ای در غرب ۳- کاخ‌های بار عام و شاهی ۴- قبر کوروش

منبع الهام کاخ‌های پاسارگاد هنر یونانی و اورارتویی است. این تأثیرپذیری پس از فتوحات کوروش در آسیای صغیر صورت گرفته است. در آن زمان هنر سنگ‌تراشی لودیبه شهرت ویژه‌ای داشت و از همین روی سردار پارسی شاید بسیاری از هنرمندان در عرصه معماری را به زادگاه خود آورده باشد تا برایش بنای باشکوهی بسازن (۲۱).

ستون‌های پنج ردیفی شش ستونی یادآور فضای کاخ‌های پاسارگاد است. تالارهای منطقه‌ی زاگرس بیش از یک ایوان نداشتند و ستون‌های آن‌ها معدود بود. درحالی‌که تالار کاخ‌های پاسارگاد از چهار طرف قابل رفت و آمدند و هر چهار ضلع بنا دارای اهمیت یکسان بود و ستون‌بندی‌های باز و بلند یک ابداع تلقی می‌شود (۶).

ممکن است از بنای عظیم عیلامی چغازنبیل (دورا اونتاش) تأثیر پذیرفته باشد به هر روی ایوان‌ها منشأ اورارتویی دارند و ستون‌های درونی تالارها منبع دوگانه ایونی و بومی را به ذهن متبادر می‌کنند. سقف بندی با چوب و با باریک کردن و کاستن از شمار ستون‌ها و نیز سرستون‌های دوشاخه‌ای غول‌پیکر که تیرهای چوبی سقف را نگاه می‌داشتند، ابتکاری پارسی است پاسارگاد علاوه بر اهمیت هنری جنبه‌ی نمادین و آیینی داشته است. این مکان شاید یکی از کارکردهایش نگهداری خزانه شاهی بوده است. این بنا را دژی مستحکم که منطقه‌ی پهناوری را می‌پوشانید که حدود دویست متر درازا و بیش از یکصد و سی متر پهنا داشت، هر یک از پادشاهان ایران که باید بر تخت سلطنت می‌رسیدند به آن محل [پاسارگاد] می‌آمدند و لباس خود را خارج نموده ردای سلطنتی کورش اول را بر تن می‌نمودند و خود را متبرک می‌ساختند، خوراکی که از انجیر درست شده بود می‌خوردند و سپس یک جرعه آب ماست می‌نوشیدند. شاید بعضی مراسم مخفی و محرمانه نیز داشتند، ولی جز موبدان [مغان] کسی از آن اطلاع نداشت (۱۹).

حرمت پاسارگاد در نزد پادشاهان هخامنشی بیش از هر چیز به وجود آرامگاه بنیان‌گذار آن سلسله از یک‌سو و قرار داشتن نیایشگاه آناهیتا از سوی دیگر برگشت می‌نمود. پاسارگاد جلو گاه نخستین مرحله‌ی هنر پارسی است و اقامتگاه تازه‌ی پادشاهی قومی است که در اندک زمان از تاریکی قبیله‌ای گمنام به تابندگی حکمروایی بر عالم ارتقاء یافته‌اند. .. پاسارگاد نو پیدا و آزمایشی است، آکنده از هیجان و شگفتی.

آرامگاه کورش

این آرامگاه فخیم‌ترین بنای پاسارگاد به شمار می‌رود و از دیدگاه هنری، آیینی و تاریخی حائز اهمیت است. آرامگاهی که تا دوران اخیر در میان عامه مردم محلی به «قبر مادر سلیمان» شهرت داشت اینک درباره‌ی هویت جدید و واقعی آرامگاه تردید وجود ندارد و چنین آرامگاهی باشکوه به فرمان یک پادشاه هخامنشی ساخته شده است و «سلیقه، انتخاب و باورهای شخص کورش را برآورده» می‌سازد (۲۹).

شوش

شوش یکی از کهن‌ترین کانون‌های شهرنشینی جهان است و پیشینه‌ای چند هزارساله دارد. تمدن عیلام بیشتر شهرتش مدیون شهر شوش است. این شهر در هزاره دوم ق. م به‌عنوان پایتخت برگزیده شد (۱۳).

با روی کار آمدن دولت هخامنشی شوش پایتخت زمستانی ایران شد و همدان (هگمتانه) تختگاه تابستانی. داریوش یکم در کتیبه‌ای که به «منشور شوش» شهرت یافته به چگونگی ساختن کاخ‌ها و مصالح بنا و نیز سهم و نقش هنرمندان ملل تابع پرداخته است. داریوش شاه در این کتیبه می‌گوید: من این کاخ را بنا کردم، زیورهای آن از جاهای دوردست آورده شد. .. خاک کنده شد تا بدان جا که به زمین سخت رسیدم. یک آبگذر ساخته شد، آنگاه سنگ‌ریزه در آن ریخته شد. .. کاخ را بر این سنگ‌ریزه‌ها بنا کردم. کندن و پر کردن و خشت‌های قالبی کار مردمی از بابل بود. تیرهای سرو از کوهستانی آورده شد که لبنان نام داشت. چوب از قندهار و کرمان آورده شد. طلا از سارد و باختر آمد و در اینجا به کار رفت. لاجورد گران‌بها و عقیق از

سرزمین سند و فیروزه از خوارزم فراهم شد. نقره و آبنوس از مصر آمد. زیورهایی که دیوارها را آراستند از یونیه است. عاج سنگ ستون‌ها از شهری به نام آبیرا در عیلام بود. سنگ‌گران و پیکرتراشان که آن‌ها را ساختند ساردی و یونانی بودند. آنان که زرگری کردند مادی و مصری بودن. آنان که کاشی عاج‌دار ساختند بابلیان و یونانیان بودند. آنان که دیوارها را آراستند مادی و مصری بودند. به لطف اهورامزدا، کاخی با شکوه در شوش بنا کردم. داریوش در کتیبه‌ای ادعا می‌کند که استحکامات شهر شوش را مرمت نموده و «باروی ویران شهر را بازساخته» است. الگوی کاخ شاهی او و استفاده از آجرهای لعابدار از کاخ‌های بابلی اقتباس شده است. تنها ستون‌ها و پاشنه‌های دروازه‌ها از سنگ ساخته شده است (۱۴).

در شوش فاصله زیاد میان ستون‌ها سبب می‌شد که روشنایی درون کاخ تأمین گردد. ستون‌های خشتی عیلامی در شوش جای خود را به ستون‌های سنگی داد. آجرهای لعابدار در معماری شوش به بنا و بدنه‌ی خشتی تنوعی چشم‌نواز بخشید و بر روی آن‌ها تصویر سپاه جاویدان، حیوانات اساطیری نقش بسته.

تخت جمشید

سبک معماری تخت جمشید تحسین‌برانگیز و باشکوه است. این سبک ملهم از تمدن‌های پیشین میان‌رودانی و مصری و یونانی است. بنایی که عناصر شکل‌دهنده‌اش بسیار متفاوت‌اند ولی به‌گونه‌ای در کنار هم قرار گرفتند که منجر به پدید آمدن اسلوبی جدید شده است که می‌توان آن را «سبک تخت جمشیدی» نام نهاد.

تخت جمشید در دامنه‌ی کوه رحمت (مهر) در نزدیکی دشت پهناور مروذشت قرار دارد. این بنای باستانی حدود ۱۲۵ هزار مترمربع وسعت دارد. صفه (سکوی) تخت جمشید در مستطیلی به پهنا ۳۰۰ و درازای ۴۴۵ و بلندای نزدیک ۱۵ متر ساخته شده است (۱۴).

در ۷۵ کیلومتری شمال شرقی شیراز قرار دارد. بنیاد این بنای باشکوه به سال ۵۱۸ ق. م به فرمان داریوش یکم برمی‌گردد. کاری که وی آغاز و خشایار شاه آن را تکمیل کرد و پس‌از این دو حدود ۱۵۰ سال ساخت‌وساز آن تداوم یافت (۳۴).

بنابراین معماری هخامنشی در تمام تاریخ معماری جایگاهش را یافته است تأثیراتی را که از معماری تمدن‌های قبلی پذیرفته با ایده‌های از سنت بومی درهم‌آمیخته و مفهوم جدیدی ساخته است. به‌گونه‌ای که احساس می‌شود همه‌ی بناها منحصر به فرد و مستقل‌اند و به درجه‌ی اعلا‌ی ابتکار رسیده‌اند. گویی نبوغی نایاب در چنین معماری به منصفی ظهور رسیده است. پیدایش چنین بناهایی تنها در سایه‌ی همکاری هنرمندان ملل تابع و اهتمام پادشاهان پارسی امکان‌پذیر بود.

در تخت جمشید از تعداد ستون‌ها کاسته شده است. زیرا سقف چوبی بار سنگینی را که باید ستون‌ها تحمل می‌کردند تسهیل نموده و این سقف بندی ابتکاری پارسی است. سرستون‌ها از قسمت قدامی دو حیوان به‌هم‌پیوسته شکل یافته و پایه ستون‌ها صاف و صیقلی‌اند. به هم‌پیوستگی سرستون‌های تخت جمشید گاهی به شکل چلیپا (صلیب) نمایان می‌شود. سرستون‌های فوق ترکیبی‌اند و در آن‌ها عناصری از سبک‌های مصری، سوری و ایونیایی (یونانی) دیده می‌شود و به سبب اندازه‌ی غول‌آسا و تناسب‌های دلپذیر مقبولیت یافته‌اند.

این هماهنگی دلپذیر در پاسارگاد هم احساس می‌شود ولی در تخت جمشید به کمال رسیده است. با شکوه‌ترین یادگار هنر هخامنشی، تخت جمشید که نام باستانی آن پارسه بود، وجودش مدیون داریوش است.

با نگاه به ستون‌های هخامنشی می‌توان پی به تأثیرات هنری آشور، مصر، یونان و اورارتو در هنرستون‌سازی هخامنشی برد. تضاد رنگ پایه ستون‌ها به‌صورت سنگ آهکی سیاه و سنگ آهکی سفیدظاهر می‌شوند. علی‌رغم تأثیرپذیری از معماری ایونی،

این اختلاف رنگ‌ها را نیز می‌توان در هنر معماری اورارتویی مشاهده کرد و شاید هم این رنگ‌های متضاد که در نمونه‌های ایونی نیز نمایش داده شده‌اند ریشه در سنن آسیایی (خاور نزدیک) داشته است (۲۷).

زیرا در معماری یونانی به ندرت در بخش پاستون‌ها دو نوع سنگ بارنگ‌های متضاد به کار برده می‌شود. سرستون‌های به کار برده شده در کاخ‌های پاسارگاد نسبت به بدنه ستون از پیشرفت زیادی برخوردار بوده و از سنگ سیاه و به صورت قسمت قدیمی گاونرپاشیرو یا سبب بوده است. در اطراف چهار دروازه‌ای که در چهار طرف تالار پذیرایی قرار داشت، نقوش برجسته‌ای دیده می‌شود که موضوع حیوانات افسانه‌ای با سرانسان را به صورت نگهبانان، دروازه‌های ورودی تالار نشانی دهند که نظیر این گونه حیوانات تخیلی در کاخ‌های شوش و تخت جمشید نیز با عظمت و ابهت خاصی نمایش داده شده‌اند. تصویر گاونروماهیست مرکب بر روی سرستون‌ها در تخت جمشید می‌تواند از اورارتو هاشات گرفته باشد (۲۰).

ستون‌های تخت جمشید

داریوش بزرگ پس از ساختن کاخ آپادانای شوش دستور داد برای پذیرایی از میهمانان و نمایندگان کشورهای تابعه امپراتوری ایران در زمان جشن‌های آغاز سال نو مجموعه کاخ‌های شاهانه عظیم و با شکوه پارسه (تخت جمشید) را در دامنه کوه رحمت بسازند. از بررسی کتیبه‌هایی به جامانده در این کاخ‌ها چنین برمی‌آید که در زمان داریوش، کار ساخت کاخ‌های آپادانا و تچر آغاز شده است پس از داریوش هم پسرش خشایارشا، علاوه بر تکمیل آپادانا، کاخ‌های دروازه ملل، صد ستون، هدیش و کاخ ملکه را به این مجموعه اضافه کرده و پس از او هم اردشیر اول کار ساخت کاخ سه دروازه (شورا) و ساختمان بایگانی اسناد را به پایان رسانده است.

تعداد ستون‌های فراوانی با کاربردهای مختلف در تخت جمشید به کار رفته است که هر یک از نظر ساختار در هر کاخ تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. طرح‌های سرستون‌ها که شامل گاو، شیر، عقاب و همچنین موجود افسانه‌ای با صورت انسان و بدن گاو است، زیباترین شکل سرستون‌های هخامنشی را دارد که نشان از خلاقیت هنری سازندگان این ستون‌ها دارد. عمده ستون‌های حجاری شده زمان هخامنشی در طول دوران داریوش اول و خشایارشا تراشیده شده‌اند. طراحی‌ها و سبک در دوران سلطنت داریوش شکل گرفت و در زمان حکمرانان بعدی به همان حال پایدار ماند (۸).

وزن ستون‌ها در دوره خشایارشا بیش از ۷۰ تن بوده و در کاخ آپادانای داریوش هر ستون به تنهایی ۱۵ تن وزن داشته که از سنگ یکپارچه ساخته شده بود. نسبت قد سربازان به ستون‌ها نشان‌دهنده ارتفاع این ستون‌ها می‌باشد که به بیست متر می‌رسید. این ارتفاع نشان‌دهنده عظمت و وسعت کار معمار در ساخت ستون‌های هخامنشی است (۹).

اما نکته قابل تأمل در مورد کثرت تعداد ستون‌ها در معماری هخامنشی نشان از نوعی هماهنگی و استحکام در هدف از ساخت ستون‌ها با سرستون‌هایی از موجودات گول‌پیکر، نمایش شکوه و اقتدار پادشاهان هخامنشی به نمایندگان و مهمانانی بوده که در مراسم نوروز برای دیدار پادشاهو تقدیم هدایا به تخت جمشید می‌آمدند.

آنچه بیش از همه ما را به شگفتی وا می‌دارد رعنائی ستون‌هاست که در تمدن‌های مدیترانه‌ای، مصری و هلنی کاملاً بی‌سابقه و ناشناخته است. شیارهای کاملاً به هم فشرده این ستون‌ها ارتفاع آن‌ها را نمایان ترمی‌سازد و پایه‌های بسیار بلند و سرستون‌های چندطبقه آراسته به نقوش حیوانات خیالی به این ارتفاع، ارزشی و اعتبار بیشتر می‌دهند. این ستون‌ها تناسب‌های فضاهای داخلی را که سابقاً در زمان کوروش کبیر در کاخ پاسارگاد وجود داشتند، تثبیت می‌نماید.

تفاوت ستون‌های تخت جمشید و پاسارگاد

بین روش‌های ستون‌سازی تخت جمشید و پاسارگاد اختلافاتی وجود دارد، از آن جمله، در مکان مقدم‌تر (پاسارگاد) میله ستون‌ها از سنگ بوده اما در تخت جمشید بیشتر میله ستون‌ها طبق بازسازی‌های صورت گرفته از چوب و اندود بوده است. در پاسارگاد میله ستون‌ها همه صاف هستند و تمام پایه ستون‌ها یک ته ستون دوتکه و یک مدور دارند که این نوع توروس از آسیای صغیر و بین‌النهرین می‌باشد. توروسی ستون‌های کوچک اغلب دارای شیارهای افقی بوده و از عناصر یونانی می‌باشند، ولی در تخت جمشید همه میله ستون‌ها دارای شیارهای عمودی بوده ولیبرخلاف پاسارگاد توروس‌ها صاف هستند تعداد شیار ساقه ستون‌ها برحسب قطر ستون زیاد و کم می‌شد، ستون‌های آپادانا با ۱۶۷ سانتی‌متر قطر، دارای ۵۲ شیار، ستون‌های صد ستون با ۹۵ سانتی‌متر قطر دارای ۳۲ شیار و ستون‌های کاخ تچر (تالار آیینه) با ۵۵ سانتی‌متر قطر دارای ۲۴ شیار می‌باشند و البته قطر ستون‌ها در این دوره برای حمل بار سنگین سقف هرچه بالاتر می‌رفت، باریک‌تر می‌شد در ستون‌های تالار ستون‌دار پاسارگاد از ساقه‌های سنگی سفید استفاده می‌شد و پایه آن شکل مربع و رنگ سیاه داشت پا ستون شیاردار افقی پا ستون به صورت گچ‌بری بزرگ هلال تنها در دوره ساخت پاسارگاد بوده و دردوره‌های بعدی و دیگر مکان‌های هخامنشی از این نوع پا ستون دیده نمی‌شود

انواع پایه ستون‌های هخامنشی

الف - پایه ستون‌های گلدانی شکل که طرح‌های آن عبارت‌اند از

طرح گل نیلوفری و غنچه نیلوفری زنجیری

گلدانی شکل

طرح شیروانی

طرح زبانی

ب - پایه ستون‌های مکعبی شکل که عبارت‌اند از

پایه ستون مکعبی یک پله‌ای که در کاخ خزانه تخت جمشید می‌توان مشاهده کرد

پایه ستون مکعبی دو پله‌های سنگ سیاه‌وسفید (دوتکه‌ای): که در ایوان غربی و شرقی کاخ کوروش در پاسارگاد به دست آمده است

پایه ستون ۲ تکه ای

پایه ستون مکعبی دو پله‌ای سنگ سیاه‌وسفید (سه‌تکه‌ای): که در کاخ اختصاصی کوروش به کار رفته است

پایه ستون ۳ تکه‌ای

پایه ستون مکعبی دو پله‌ای با شال ستون سیاه بدون شیار

پایه ستون‌های مکعبی اصولاً فاقد تزئینات هستند به جز در کاخ کوروش که شال ستون شیارهای افقی دارد

پایه ستون مکعبی ۲ پله

انواع شالی (تنه) ستون‌های هخامنشی

شالی ستون‌های چوبی: هخامنشیان در کاربرد شکل‌های قابی معمار، به‌ویژه در دو محل خزان و حرم‌سرای تخت جمشید از شالی ستون‌های چوبی استفاده کرده‌اند که یا فاقد سرستون بود یا سرستون‌هایی از چوب داشت همراه تنه ستون‌ها در آتش‌سوزی تخت جمشید از بین رفته‌اند

شالی ستون‌های سنگی ساده: در معماری پاسارگاد میتوان شالی ستون‌های بلند و باریک را مشاهده کرد. ستون‌های با ارتفاع ۱۳ متر و قطری در حدود یک متر که در کاخ بار کوروش در پاسارگاد و در دروازه پاسارگاد به‌کاررفته است.

شالی ستون سنگی

شالی ستون‌های سنگی شیاردار: داریوش اول در تحولی شگرف در معماری و با در دست داشتن امکاناتی مناسب اقدام به ایجاد شیار بر روی شالی ستون‌های شوش نمود. تعداد شیارهای شالی ستون بسته به قطر آن متفاوت است. به‌عنوان نمونه تعداد آن‌ها ۵۲ عدد در ایوان شرقی آپادانا تخت جمشید و ۲۶ عدد در کاخ تچر می‌باشد.

ستون‌های سنگی شکلدار

اهمیت کاربردی ستون در بناهای هخامنشی

سرستون با نقش گاو مرد

سرستون با نقش گاو

سرستون با نقش شیردال

سرستون با نقش شیر

ستون‌های آرامگاه داریوش، نقش رستم

پایه ستون‌های کتیبه دار از همدان

نقش گل نیلوفر در دستان داریوش، تخت جمشید

پایه ستون با نقش نیلوفر

انواع سرستون‌های هخامنشی

به شکل گاو

استفاده از نقش گاوهای اسطوره‌ای در بین‌النهرین و به‌ویژه در معماری عیلامی و آشوریان به‌عنوان نگهبان ساختمان‌ها عمومیت داشته و شاید در معماری هخامنشی نیز این حیوانات الهام گرفته از عیلامی‌ها و آشوریان باشد

به شکل شیر دال (عقاب و شیر)

به شکل شیر: یکی دیگر از سرستون‌های هخامنشی استفاده از دو شیراست که پشت به هم داده اند. این سرستون را در ایوان شرقی کاخ آپادانا تخت جمشید می‌توان مشاهده کرد.

سرستون دو شیر

سرستون‌های به شکل شیر فقط در ایوان شرقی کاخ آپادانا، یعنی تنها ایوانی در کاخ‌های تخت جمشید که رو به مشرق (به‌طرف طلوع خورشید) ساخته شده، قرار گرفته

اشکانیان

طبق تحقیقات و بررسی‌های انجام‌یافته، اگرچه وجود هنر پارسی از حوالی سال ۲۵۰ ق. م هم‌زمان با شروع دوران حکومتی پارتها رقم‌زده‌اند، اما درواقع از زمان پادشاهی مهرداد دوم از سال ۱۲۳ ق. م به بعد نمودهایی از هنر پارسی نمایان شده معماری این عصر با ترکیبی از عناصر یونانی و ایرانی روبرو شده است و به طور اجمال می‌توانیم آثار هنری اشکانی را به سه دوره مشخص تقسیم نماییم.

آثار دوره‌یونانی (هلنی) و تقلید از آثار شرقی پیشین آثاری که متعلق به پایان قرن اول پیش از میلاد مسیح است و اشکانیان به تلفیق عناصر اقتباسی هنر خویش را پدیدار ساخته‌اند. دوره‌ای که از نیمه دوم قرن دوم میلادی تا پایان عصر اشکانی را در بر می‌گیرد و هنر اشکانی کم‌کم رو به انحطاط می‌گذارد و فقط تعدادی اثر از احکام ولایات باقی‌مانده است (۱۷). در ترکیب‌بندی آثار هنری دوره اول آن چه به چشم می‌خورد ترسیم خطوط با گردش آزاد و نرم، تخیلی بودن نقش‌ها و ایجاد فضاهای تصویری است که از هنر یونانی‌ها الهام گرفته است، نظیر ردیف‌هایی از مردم که نیمی از صورت و همه بدن متقابل با حالتی خشک و بی‌روح و برجستگی کم دیده می‌شوند

معماری ساسانیان

عصر ساسانی که یکی از دوران‌های هنری تاریخ ایران به شمار می‌رود و بیش از ۱۴۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد، از بهترین و شکوفاترین اعصار هنری پیش از ظهور دین اسلام بوده که توانسته به احیا هنر و سنت‌های پیشین و جانب‌داری از هنر و هنرمند پرداخته و تقریباً به‌طور یکپارچه انواع هنرها را به منصفه ظهور بگذارد که هنوز هم الگوهای ارزنده‌ای از آثار هنری آن به‌عنوان نمونه کار موردتوجه قرار می‌گیرد (۲۴).

ایوان مدائن یا طاق کسری (در عراق امروزی)

عامل مهم دیگری معماری ساسانی، ایوان است که در کاخ‌های فیروزآباد و همین‌طور سرستان به‌صورت مدخل اصلی کاخ ساخته شده و در کاخ خسرو انوشیروان در تیسفون (مدائن) که بنام طاق کسری یا ایوان مداین خوانده می‌شود. این ایوان به‌تناسب و اندازه‌ای بسیار بزرگ ایجاد گردیده و محور اصلی کاخ بشمار می‌رفته است. نقشه کاخ به‌صورت یک ایوان بزرگ و بلند به طول و عمق ۴۲/۹۲ متر و عرض دهانه ۲۵/۶۵ و بلندی ۳۵ متر و در وسط بنا با پوشش و طاق گهواره‌ای شلجمی شکل ساخته شده و در طرفین آن تالارهای بزرگ و راهروهای بزرگ و راهروهای مختلف با پوشش گنبدی بنا شده‌اند. این کاخ به نام‌های کاخ خسرو انوشیروان، ایوان خسرو، ایوان یا طاق کسری و ایوان مداین هم خوانده می‌شود. شیوه معماری این کاخ هم شبیه کاخ معروف اشکانی الحضرا یا در شمال کشور فعلی عراق است (۴۴)

بزرگ‌ترین حجاری ساسانی در شاپور است که قدری خارج از جاده شیراز به بوشهر قرار دارد. موضوع اسارت والرین امپراتور روم مکرر در اینجا دیده می‌شود. این حجاری دارای قسمت‌های دیگر است که سواره‌نظام و پیاده‌نظام شاپور را نشان می‌دهد و نیز عده زیادی از مردمان مختلف که هدایا و غنائم به نزد شاه می‌برند.

طاق‌بستان (در استان کرمانشاه)

این طاق در کوهستان شمال کرمانشاه قرار دارد طاق کوچک آن از زمان شاپور دوم ساسانی و طاق بزرگ آن از آثار خسرو پرویز بوده و از دیگر آثار مهم این عصر بشمار می‌رود. شیوه طاق و نحوه احداث آن در دل کوه قابل مقایسه با طاق گری یا گرا در سر راه کرمانشاه به قصر شیرین که احتمالاً از آثار دوره اشکانی است، می‌باشد (۱۱).

• اهمیت کاربردی ستون در بناهای هخامنشی

کاربرد نمادین ستون

استفاده از ستون در مقابر صخره‌ای در دوران هخامنشی تزئینی بوده و می‌توان گفت تداعی‌کننده استواری و میل به جاودانگی بوده است. در مقبره داریوش در نقش رستم ستون‌پایه‌های دو طبقه و مکعب شکل، سرستون‌های کله‌گاو و حمال‌های چوبی متکی بر گرده گاوها، همه با نمونه‌های کاخ داریوش منطبق است؛ و نمونه‌ای از ستون‌هایی است که جنبه نمادین داشته و داریوش با استفاده از ستون‌های گاو سر، عظمت و شکوه شاهنشاهی اش را بر درگاه مقبره اش تکرار می‌کند. دلیل این کار را می‌توان ناشی از آن دانست که داریوش تفاوتی میان خانه این جهانی و سرای ابدی خود نمی‌دید و می‌خواست از تلفیق قدرت و صولت خاندانش حتی در خانه خاک نیز چیزی نکاهد.

کاربرد ستون به‌عنوان یادمان

ستون‌های تخت جمشید و پاسارگاد یادمانی از هنر و همچنین تعداد ستون‌هایی که کاررفته در کاخ آپادانا و ستون‌های تالار صد ستون، قدرت و عظمت پادشاهی هخامنشی را تداعی می‌کند (۴۶).

کاربرد ستون در معماری

ستون به‌عنوان وسیله‌ای برای نگهداری سقف کاربرد فراوانی داشت. همچنین ستون‌ها تناسب فضای داخلی بنا را تثبیت می‌کند ستون و اجزا آن بیش از هر عنصر معماری دیگر دوام و بقا داشته، چنانچه با گذشت سده‌ها از ساخت کاخ‌ها، مهم‌ترین عنصری که به چشم می‌آید و اغلب سالم مانده ستون می‌باشد (۲۳)

ستون‌های بزرگ آپادانا از یکدیگر فاصله زیادی دارند (حدود ۹ متر) و این به فضای بین ستون‌ها نسبتی احساساتی - و در زمان خودش - بی‌سابقه می‌دهد.

ستون‌های دروازه ملل و نقش‌های پایه ستون‌ها دارای عنصرهای تصویری هندسی گوشه‌دار و ساده هستند پایتخت مادها هگمتانه است. مادها با شیوه معماری شهرسازی عظیم آشنا بودند. در این دوره ستون نقش مهمی در معماری داشت. گور دخمه‌های مادی ایوان دار هستند و با ستون تزئین شده‌اند

آپادانای شوش مشهورترین و برجسته‌ترین نماد هخامنشی به شمار می‌آید. در شوش فاصله‌ی میان ستون‌ها سبب می‌شود که روشنایی درون کاخ تأمین گردد. معماری شوش ترکیبی است. ستون‌های خشتی عیلامی در شوش جای خود را به ستون‌های سنگی دادند

تخت جمشید: نام اصلی تخت جمشید پارسه است تخت جمشید شهری بوده که جنبه آیینی داشته است. تخت جمشید نماد قدرت و قلمرو امپراطوری پارسی است. تالارهای پاسارگاد مستطیلی شکل و تخت جمشید مربعی‌اند ریزه‌کاری‌های کلاف سرستون‌ها و پایه ستون‌ها به شکل بشقاب برگشته است

در زمان اشکانیان با ۳ شیوه هنری روبرو هستیم: ۱- هنر تقلیدشده از یونان ۲- هنر یونانی ۳- هنر ایرانی. نخستین جلوه‌های هنر معماری پارتی را در دنیا اولین بار در پایتخت پارتیان می‌توان مشاهده کرد. مصالح و ساختمانی که در این دوره بیشتر استفاده می‌شد شامل خشت تا آجر و سنگ تراشیده و تراشیده است. کاخ کنگاور در فاصله بین همدان و کرمانشاه که یک حیاط بزرگ چهارگوش با دیوار بلند وجود داشت که روی آن ستون‌هایی قرار داشتند. از معماری و خانه‌سازی پارتیان چندان اثری برجا نمانده در معبد کنگاور پایه ستون‌ها مربع شکل و بدنه ستون‌ها مدور و ساده و سرستون‌ها ترکیبی بوده. اردشیر پادشاه ساسانی قلعه‌ای در بالای کوهی بلند و عمارت سلطنتی نزدیک شهر ساخته و بنای دیگری بر پا نموده که بدون شک آتشکده بوده است. شکل معبد عبارت است از مربعی که گنبد آن روی ۴ ستون نگه‌داشته است. سقف‌های هلالی یا همان گنبد ساخته می‌شد. در دوره ساسانیان سقف‌های هلالی یا همان گنبد ساخته می‌شد. در دوره ساسانیان سقف‌های هلالی یا همان گنبد متداول شد و ستون کم‌رنگ‌تر شد.

نتیجه‌گیری

پایتخت مادها هگمتانه است. مادها با شیوه معماری شهرسازی عظیم آشنا بودند. در این دوره ستون نقش مهمی در معماری داشت. گور دخمه‌های مادی ایواندار هستند و با ستون تزیین شده‌اند؛ که در نمای ورودی آن‌ها ستون و یا نیم ستون ساخته شده است که در منطقه کردستان شناسایی شده که ورودی آن‌ها به شکل مستطیل یا مربع می‌باشد. آپادانای شوش مشهورترین و برجسته‌ترین نماد هخامنشی به شمار می‌آید. در شوش فاصله ی میان ستون‌ها سبب می‌شود که روشنایی درون کاخ تأمین گردد. معماری شوش ترکیبی است. ستون‌های خشتی عیلامی در شوش جای خود را به ستون‌های سنگی دادند. در معماری شوش آمیزه‌ای از هنر میان‌رودانی با محوریت بابل و عیلام مشاهده می‌شود. سبک معماری تخت جمشید تحسین‌برانگیز و با شکوه است. این سبک ملهم از تمدن‌های پیشین میان‌رودانی و مصری و یونانی است. تخت جمشید نامی است که در عصر ساسانی به این مکان داده شده است. مکانی که هیچ پیوندی با جمشید روایات حماسی ندارد در تخت جمشید از تعداد ستون‌ها کاسته شده است زیرا سقف چوبی بار سنگینی را که باید تحمل می‌کردند تسهیل نموده و این سقف بندی ابتکاری پارسی است و سرستون‌ها از قسمت قدامی دو حیوان به هم پیوسته شکل یافته و پایه ستون‌ها صاف و صیقلی‌اند در زمان اشکانیان با ۳ شیوه هنری روبرو هستیم: ۱- هنر تقلیدشده از یونان ۲- هنر یونانی ۳- هنر ایرانی. نخستین جلوه‌های هنر معماری پارتی را در دنیا اولین بار در پایتخت پارتیان می‌توان مشاهده کرد. مصالح و ساختمانی که در این دوره بیشتر استفاده می‌شد شامل خشت تا آجر و سنگ تراشیده و تراشیده است. در دوره ساسانیان سقف‌های هلالی یا همان گنبد ساخته می‌شد. در دوره ساسانیان سقف‌های هلالی یا همان گنبد متداول شد و ستون کم‌رنگ‌تر شد.

منابع و مأخذ

۱. استیل فیلیپ، ۱۳۹۰، معماری بین‌النهرین انتشارات سمت.
۲. استروناخ، دیوید، پاسارگاد گزارشی از کاوش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از سال ۱۹۶۱ الی ۱۹۶۳، ترجمه حمید خطیب شهیدی، چاپ یکم، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳. استروناخ، ۱۳۷۹، دیوید، پاسارگاد، ترجمه حمید خطیب شهیدیتهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴. اشمیت، اریشفر دریش، ۱۳۴۲، تخت جمشید، بناها، نقش‌ها و نبشته‌ها، ترجمه عبدالله فریار، جلد یکم، چاپ یکم، تهران، انتشارات فرانکلین و امیرکبیر.
۵. اشمیت، اریش. ف، ۱۳۴۲، تخت جمشید، بناها، نقش‌ها و نبشته‌ها، ترجمه عبدالله فریار، ج ۱ تهران، فرانکلین و امیرکبیر.
۶. انصاری، جمال، ۱۳۸۹، باستان‌شناسی ایران و جهان: مروری بر بین‌النهرین و ایران باستان، تهران: سبحان نور
۷. انصاری، جمال، ۱۳۸۷، باستان‌شناسی ایران و جهان تهران: سبحان نور
۸. اوستا، گزارش، ۱۳۷۷، ترجمه و تفسیر ابراهیم پور داود، یشت‌ها، جلد ۲ و ۱، چاپ یکم، تهران، انتشارات اساطیر.
۹. آموزگار، ژاله، ۱۳۷۴، تاریخ اساطیری ایران، چاپ یکم، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. باقری، مهناز، ۱۳۸۹، بازتاب اندیشه‌های دینی در نگاره‌های هخامنشی تهران.
۱۱. سرافراز، علی‌اکبر- فیروزمندی، بهمن، ۱۳۹۱، کتاب از ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، انتشارات عفاف.
۱۲. بوشارلا، رمی، ۱۳۷۳، پایان عمر کاخ‌های هخامنشی شوش: مرگ طبیعی، ترجمه علی موسوی، مجله باستان‌شناسی.
۱۳. بویس، مری، ۱۳۷۵، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، جلد دوم، چاپ یکم، تهران، انتشارات توس.
۱۴. بهار، مهرداد، ۱۳۸۱، از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چسوم (تهران، انتشارات نشر چشمه).
۱۵. بیانی، شیرین، ۱۳۸۱، تاریخ ایران و باستان، سمت.
۱۶. پرادا، ادیت، ۱۳۷۹، «هنر هخامنشی، آثارسترگوخرد»، اوج‌های درخشان هنر ایران، ویراستاران: ریچارد اتینگها و زنو احسانیار شاطر، ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکبازتهران، آگه.
۱۷. پُرادا، ایدیتودیگران، ۱۳۷۱، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجید زاده، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. پوپ، آرتور آپهام، ۱۳۳۶، تخت جمشید شهر مذهبی بوده است، ترجمه علی‌اشرف شیبانی، مجله‌ی سخن، ش ۸، ش.
۱۹. پوپ، آرتور آپهام، ۱۳۷۳، معماری ایران، ترجمه‌غلام‌حسین صدری افشار، چاپ سوم، تهران، انتشارات فرهنگان.
۲۰. پور عبدالله، حبیب‌الله، ۱۳۷۷، تخت جمشید از نگاه دیگر، شیراز
۲۱. پیرسون، آنی، ۱۳۹۰، تاریخ فرهنگ و تمدن یونان، مترجم: محمدصادق شریعتی، سیزان.
۲۲. پیرنیا، حسن مشیرالدوله، ۱۳۷۰، ایران باستان، جلد یکم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
۲۳. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۴۷ «سبک‌شناسی معماری ایران» مجله‌ی باستان‌شناسی و هنر ایران، شیکم، زمستان.
۲۴. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۴۷، سبک‌شناسی معماری ایران، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۱، زمستان.
۲۵. تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۷، گردآورنده و ویراستار: احسانیار شاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد دوم، بخش دوم، چاپ یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۶. تجویدی، اکبر، ۱۳۵۵، نکاتی درباره شیوه و طرح ساختمانی عصر هخامنشی، تهران.

۲۷. جک ریستی ویلسن، ۱۳۲۰، انتشارات سمت تهران تاریخ ایران باستان.
۲۸. جنسن، هورست لمارو با همکاری دوراجین جنسن، ۱۳۷۹، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. خدادادیان، اردشیر، ۱۳۷۶، آریاها و مادها، از مجموعه یا ولودوم تاریخ ایران باستان چاپ یکم، تهران، انتشارات اتصالاتتنشیر.
۳۰. خدادادیان، اردشیر، ۱۳۷۸، هخامنشی‌ها (مجموعه سوم تاریخ ایران باستان)، تهران، نشر یهیدید.
۳۱. خطیبی، ابوالفضل، ۱۳۸۰، دنیای پرمزوراز مهر، نامه‌ی ایران باستان، س ۱، ش ۲.
۳۲. دیاکونوف، میخائیل میخائیل وویچ، ۱۳۸۰، تاریخ ایران باستان، ترجمه روح یاریاب، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۳. راستی مهران، ۱۳۹۰، محمد خزایی، نقوش پایه‌هایستون‌های تخت جمشید.
۳۴. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (ایران قبل از اسلام)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۳۵. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۱، تسامح و روشی و مسأله‌ی وحدت امپراتوری در ایران باستان، پلفی روزه، ش ۵.
۳۶. سرافرا، علی اکبر، ۱۳۱۰، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی اشکانی ساسانی، انتشارات مارلیک.
۳۷. سرافراز، علی اکبر، فیروزمندی، بهمن: ۱۳۹۱، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی هخامنشی - اشکانی - ساسانی.
۳۸. سودآور، ابوالعلاء، ۱۳۸۴، فره‌ی ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، چاپ یکم، تهران، انتشارات نشر نی.
۳۹. فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۶، میترا (مهر) در باستان‌شناسی ایران، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، س ۲، ش ۲، شپیدرپی ۴، بهار و تابستان.
۴۰. فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۱. فرای، ریچارد، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چهارم تهران، علمی و فرهنگی.
۴۲. فره‌وشی، بهرام، ایرانویچ، ۱۳۶۸، چاپ یکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. فیروزمندی، بهمن. ۱۳۸۵، وستارخالدیان و حیدری نگرشی به جایگاه ستون در معماری هخامنشی تهران.
۴۴. فیروزمندی، بهمن، ۱۳۱۰، تهران باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی اشکانی ساسانی، انتشارات مارلیک.
۴۵. فیلیپ، استیل، ۱۳۹۰، تاریخ و تمدن بین‌النهرین نشر سبزان.
۴۶. قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۵، شیرونقش آن در معتقدات آریایی.
۴۷. قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۵، شیر و نقش آن در معتقدات آریایی‌ها، بررسی‌های تاریخی، ش ۳، س ۱.
۴۸. کالج، مالکوم، اشکانیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ۱۳۸۰، انتشارات هیرمند.
۴۹. کوه‌کن، علی‌آبادی، محمدرضا، ۱۳۸۵، هخامنشیان و مصر دانشگاه تهران.
۵۰. کامرون، جرج، ۱۳۷۴، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.